

11th International Conference on Language , Literature , Culture and History Studies



شکوه از دهر در دیوان زیب النساء (مخفی)

زینب، رحمانیان

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز خوی

لیلا، عدل پرور

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

چکیده

دهر و مفاهیم مربوط به آن چون زمانه، قضا و سرنوشت از مسائلی است که همواره ذهن افراد بشر و بسیاری از شاعران را از گذشته‌های دور تاکنون به خود مشغول کرده است. شاعران زیادی به موضوع دهر و نکوهش از آن پرداخته‌اند. این پژوهش با روش تحلیلی- تطبیقی بر آن است تا گلایه‌های زیب النساء از موضوع دهر، ریشه‌ها و برآیندهای آن را در شعر دیوان وی بررسی کند. زیب النساء بر اساس نگاه حکمت‌آمیز و ژرف خود به جهان، تاریخ و آنچه در بستر آن از ناخوشایندی‌ها رخ می‌دهد، ضمن اشعار خود هم از دهر گلایه می‌کند و هم از سرزنش کردن آن نهی کرده و آن را پندآموز بر می‌شمرد. نگاهی که وی به دهر و مشابهاً آن دارد، بیشتر همان نگاه آموزه‌های گذشتگان به قضا و قدر است و نکته این جاست که به آموزه‌های دینی و تعلیمی هم ختم می‌شود. وی به شیوه شاعران گذشته اعتقاد به تأثیر افلاک و ستارگان در زندگی آدمی دارد و با پذیرفتن این امر اعتراضات خود را در قالب شعر بیان می‌دارد.

کلیدواژگان: زیب النساء، دهر، قضا، شکواییه، مرگ اندیشی